

سال دوم

جلسه ۲۲

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۳ / ۸ / ۹۰ سه شنبه

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

قول دوم

حرف و اسم
معنای واحدی دارند

قول اول

بررسی حرف
دارای معنا نیستند

اشکال پنجم : اشکال مرحوم خوئی (۲)

اشکال

اینکه : «معنای حرفی، لحاظ آلی دارد»، حرف غلطی است

چراکه: چراکه کثیراً ما، همین معنای حرفی «مطلوب اولی و اصلی» ماست

جواب
داده
شده

عدم منافات :
بین «مقصود بالذات بودن» و «معنای آلی داشتن»

نکته ای از حضرت امام

نکات

با وجود اینکه حروف، دارای معنای «آلی» هستند
اکثراً در کلام مقصود «بالذات» هستند

عمده مقصود گوینده و شنونده : تفهیم و تفهّم معنای حرفی است
(ندرتاً غرض به آن تعلق می گیرد)

یا : از «هویت» خبر می دهند = زید^۱ انسان

و یا : از «کون رابط» خبر می دهند = زید^۱ فی الدار

قضایا
(مؤولّه یا غیر مؤولّه)

غرض متکلم و مخاطب : دانستن «معانی حرفیه» است که «رابط بین مبتدا و خبر» است

قلّما : مراد افهام «معانی اسمیه» است
مانند گفتن «زید^۱ فی الدار» برای کسی که: نمی داند چه کسی در خانه است

اشکال ششم : اشکال مرحوم بجنوردی

اشکال
مرحوم
نائینی

معنا (موضوع له) :

۱. یا مستقل است ۲. یا غیر مستقل

(شقّ ثالثی هم وجود ندارد = مستلزم ارتفاع نقیضین است)

قدر جامعی بین این دو نقیض (مستقل و غیر مستقل) نیست تا آن را موضوع له بدانیم

مفاهیم ذهنی بسیط هستند

در نتیجه : قدر جامع (همانند جنس) و ما به الامتیاز (همانند فصل) ندارند

پس نمی توانیم بگوییم:

«ابتداء» به عنوان جنس و «استقلال و عدم استقلال» به عنوان فصل من و ابتداء هستند

مفاهیم در ذهن همانند «اعراض» هستند

= در خارج بسیط بوده + ماده و صورت ندارند

دلیل :

اشکال ششم : اشکال مرحوم بجنوردی

اشکال
مرحوم
بجنوردی

اینکه : «مطلق» در عالم واقع یا «مقید» است و یا «غیر مقید» باعث نمی شود: معنای موضوع له لفظ «معنای مطلق» و «طبیعت مهمله» نباشد

مفاهیم، بسیط نیستند و با هم «اختلاف» دارند

یا : به «تمام ذات» است

یا : به «جزء ذات» است

یا : به «لوازم ذات» است

این
اختلاف :

بر فرض که بگوییم «مفاهیم، بسیط هستند» :
باز هم منافات ندارد که نسبت به وجود و عدم قیدی، مطلق باشند

اگر این گونه باشد:

باید بالکل «معنای مطلق» را منکر شوید!

اشکال ششم : اشکال مرحوم بجنوردی

ما
می گوئیم

از طرفی : مفهوم یا «مستقل» است یا «غیر مستقل»

از سویی دیگر : مفاهیم، «بسیط» هستند

پس : لفظ نمی تواند برای «قدر جامع» وضع شده باشد
و نمی تواند برای «شق ثالث» وضع شده باشد

مدعای
مرحوم
نائینی :

جواب نقضی : این سخن در همه «مفاهیم مطلق» می آید

تقسیم مفهوم به «مستقل و غیر مستقل در خارج»،
تقسیم شیء به امری خارج از ذات شیء است

مفهوم = در حد ذاته ، مستقل یا غیر مستقل نیست
وجود خارجی مفهوم = مستقل یا غیر مستقل است

جواب حلی :

فرض ثالثی هم هست

«مفهوم بسیط است و در حد ذات، نه مستقل است و نه غیر مستقل»

این مفهوم بسیط می تواند :

بر مفاهیم دیگری که زیر مجموعه هستند، اطلاق شود

مرحوم
بجنوردی

اشکال ششم : اشکال مرحوم بجنوردی

ما
می گوئیم

پس :

اینکه مرحوم بجنوردی می گویند:
«مفاهیم، بسیط نیستند»
حرف درستی نیست

اینکه مرحوم بجنوردی می گویند:
«اختلاف مفاهیم با یکدیگر یا به تمام ذات است یا به جزء ذات یا عوارض
خارجی»
حرف درستی نیست

نتیجه :

این اختلافات، اختلافات «ماهیات» با یکدیگر است و نه «مفاهیم» با یکدیگر